

پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برج‌ام؛ رویکردی استراتژیک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۱۴

رضا خلیلی*

چکیده

به نظر می‌رسد رویکرد استراتژیک، که برج‌ام را در چارچوب معادلات کلان منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار می‌دهد، بهتر می‌تواند ابعاد مختلف این توافق را مشخص کند. در این مقاله، با محور قرار دادن رویکرد استراتژیک و بررسی وجوه تمایز آن با رویکردهای فنی، حقوقی، سیاسی و امنیتی، تلاش بر پاسخ به این پرسش است که برج‌ام چه پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایران داشته است. در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد که برج‌ام باعث تبدیل ایران به قدرت هژمون منطقه‌ای و افزایش نقش و منزلت آن در عرصه بین‌المللی شده است. این فرضیه را با تحلیل اسناد و منابع و همچنین شواهد موجود و تحلیل روندهای احتمالی آینده بین‌بازیگران سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: برج‌ام، ایران، رویکرد استراتژیک، قدرت منطقه‌ای، منزلت بین‌المللی.

Email: Rezakhalili1@khu.ac.ir

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال نوزدهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۵ • شماره مسلسل ۷۲

مقدمه

تا کنون ابعاد و زوایای مختلف برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بررسی و تأمل قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلفی در مورد آثار و پیامدهای احتمالی آن مطرح شده است. بخش عمده‌ای از تحلیل‌ها در مورد برجام، به ویژه در داخل کشور، بر پیامدهای فنی، حقوقی، سیاسی و امنیتی موضوع تمرکز داشته‌اند و از پیامدهای استراتژیک آن غفلت کرده‌اند، در حالی که یکی از ابعاد بسیار مهم برجام که متأسفانه در ایران کمتر بر آن تأکید شده، اما برای منتقدین و حتی مخالفین آن در خارج از ایران بسیار مهم بوده، تمرکز بر پیامدهای استراتژیک موضوع است.

در واقع برجام به عنوان توافقی استراتژیک، دارای آثار و تبعاتی در تمامی سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است که هر یک از آنها نیازمند بررسی دقیق و مستقل هستند، اما در این مقاله صرفاً بر پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع تأکید می‌شود و در پاسخ به این پرسش که برجام چه پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایران داشته است، بر این فرض تأکید می‌شود که برجام باعث تبدیل ایران به قدرت هژمون منطقه‌ای و افزایش نقش و منزلت آن در عرصه بین‌المللی شده است. بررسی و آزمون این فرضیه را با تفکیک میان رویکردهای نظری مختلف و تأکید بر رویکرد استراتژیک مورد توجه قرار می‌دهیم. با اتکا به اسناد و منابع و شواهد و قرائن موجود، ابتدا به بررسی رویکردهای مختلف در ارتباط با مذاکرات منتهی به برجام پرداخته می‌شود. سپس با بررسی وضعیت موجود و روندهای احتمالی آینده، به بررسی آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع می‌پردازیم.

الف. رویکرد استراتژیک؛ مبنای بررسی منطقه‌ای و بین‌المللی برجام

با مطرح شدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) و به ویژه تبدیل آن به دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد از سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)، طیف بسیار گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور و در اغلب کشورهایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با ابعاد مختلف موضوع بودند، به دستور کار مطالعاتی تبدیل شد و دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی در ارتباط با آن شکل گرفت

(ر.ک: هادیان، ۱۳۸۹؛ خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۲۴؛ Moshirzadeh, 2007; Khalili, 2011: 193-230). البته دیدگاه‌ها و نظریات محققین ایرانی در داخل و خارج از کشور و نگرش‌های رایج در محافل سیاسی، علمی و رسانه‌ای غربی نسبت به موضوع یکسان نبوده و از مبانی و نگرش‌های مختلفی نشأت می‌گیرد. این مبانی و نگرش‌های مختلف باعث شکل‌گیری حداقل پنج رویکرد مختلف در ارزیابی پیامدهای برج‌ها شده است.

رویکرد فنی را می‌توان مقدم‌ترین نگرش و در عین حال دارای بیشترین فاصله با آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع دانست. طرفداران این رویکرد ضمن تأکید بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران بر این باور بوده‌اند که ماهیت این برنامه، فنی و تکنولوژیک است و به همین دلیل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تنها مرجع ذیصلاح برای نظارت و اظهار نظر در مورد آن می‌باشد (جلیلی، ۱۳۹۱؛ اسدالهی، ۱۳۹۱)، اما چون جامعه بین‌المللی هیچ‌گاه حاضر نشد چنین استدلالی را بپذیرد، بنابراین طرفداران این رویکرد در ایران در نهایت به این نتیجه رسیدند که پیشرفت فنی را حداقل برای به دست آوردن امتیازات بیشتر بر سر میز مذاکره مورد تأکید قرار دهند (ر.ک: کیهان، ۱۳۹۳؛ ایران هسته‌ای، ۱۳۹۴). در واقع، تأکید بر پیشرفت یا عدم پیشرفت فنی مهم‌ترین دغدغه طرفداران این رویکرد نظری بوده و مشکل اصلی کسانی که حتی در تحلیل برج‌ها نیز چنین رویکردی را ادامه داده‌اند همین است که اصولاً به موضوعی فراتر از پیشرفت یا پسرفت فنی نمی‌اندیشند (ر.ک: جلیلی، ۱۳۹۴ الف؛ باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴) و بنابراین، سخن گفتن در چارچوب مفروضات طرفداران این رویکرد اساساً ارتباط معناداری با آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع نمی‌یابد.

در ارتباط نزدیک و وثیق با رویکرد فنی، طرفداران رویکرد حقوقی بر توازن میان حق و تکلیف در چارچوب مقررات بین‌المللی (ر.ک: مدنیان، ۱۳۹۰، جلیلی، ۱۳۹۴ ب؛ باقری، ۱۳۹۲؛ Rahmati, 2013) تأکید نموده و حتی در اظهار نظر در مورد آثار و پیامدهای برج‌ها نیز عمدتاً در همین چارچوب رفتار کرده‌اند (جلیلی، ۱۳۹۴ الف؛ کیهان، ۱۳۹۴). این در حالی است که طرفداران این رویکرد در خارج معتقدند ایران با پنهان‌کاری و عدم پذیرش نظارت بین‌المللی در مورد بخشی از برنامه هسته‌ای خود بسیاری از مقررات بین‌المللی را نقض کرده و به همین دلیل نه تنها از حق مشروعی برای حمایت از برنامه هسته‌ای خود برخوردار نیست، بلکه باید

موضوع آن در دستور کار بازرسی و نظارت دوره‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین به عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل قرار گیرد (Persbo, 2012; Bali, 2014). طرفداران این رویکرد در ادامه استدلال‌های خود در مورد برجام نیز بیش از آنکه به آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی موضوع بیندیشند، بیشتر دل‌مشغول برخی تعابیر حقوقی مانند تعلیق، توقف یا حداکثر اعتبار و ضمانت اجرای برجام و میزان پایبندی طرف مقابل به مفاد آن شده‌اند و به ویژه پس از اجرایی‌شدن برجام با برجسته‌کردن نمونه‌های بدعهدی آمریکا در برداشتن تحریم‌ها می‌کوشند مخالفت خود با برجام را جامه‌ای حقوقی بپوشانند (ر.ک: زاکانی، ۱۳۹۵؛ بیگدلی، ۱۳۹۵).

نقد رویکردهای فنی و حقوقی به عنوان رویکردهایی تقلیل‌گرایانه باعث شده بسیاری از اندیشمندان و تحلیل‌گران با پیوند میان ماهیت خاص نظام سیاسی جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی طرفدار تغییر وضع موجود، به تبیین موضوع بر اساس رویکرد سیاسی بپردازند (Powers, 2008; Brzezinski and Gates, 2004). از زاویه نگاه طرفداران این رویکرد در غرب و برخی کشورهای منطقه، برنامه هسته‌ای ایران مستمسکی قابل توجه برای اعمال فشار و تحریم و ابزاری برای مهار قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی آن بود (ر.ک: Russell, 2005; Pollack, 2007) و چون مذاکرات هسته‌ای و برجام باعث برداشته‌شدن فشار و تحریم از ایران و آزادشدن پتانسیل آن برای بازیگری بیشتر و مؤثرتر در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود، نتیجه آن چیزی جز بی‌ثباتی بیشتر در منطقه نخواهد بود. البته، این فقط طرفداران رویکرد سیاسی در خارج نیستند که از آثار و پیامدهای برجام ناراضی‌اند، بلکه متأسفانه حتی در داخل کشور نیز طرفداران همین رویکرد به گونه‌ای دیگر نارضایتی خود را ابراز می‌کنند. اینها که اغلب مدافعان روش تیم مذاکره‌کننده قبلی برای پیشبرد برنامه و مذاکرات هسته‌ای می‌باشند، معتقدند کشورهای غربی و به ویژه آمریکا با این مذاکرات به دنبال کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و به تعبیر برخی حتی نفوذ در داخل و فروپاشی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هستند (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۴؛ عباسی، ۱۳۹۴). بنابراین، طرفداران این رویکرد هم در عین حال که به آثار و تبعات منطقه‌ای و بین‌المللی مذاکرات هسته‌ای و برجام توجه می‌کنند، اما عمدتاً به بعد سلبی موضوع توجه دارند.

با وجود اینکه رویکرد سیاسی به دلیل غلبه بعد سلبی آن نسبت به برنامه و مذاکرات هسته‌ای ایران آثار و تبعات زیان‌باری برای کشور داشته و پیوند اهداف سیاسی با این برنامه باعث به بن‌بست رسیدن مذاکرات هسته‌ای شد، اما برخی افراد و گروه‌های افراطی در داخل و خارج از ایران حتی به این حد هم بسنده نکرده و فراتر از این با امنیتی‌کردن موضوع کوشیده‌اند از یک سو ایران را در مسیری بدون بازگشت و از سوی دیگر آمریکا را در مسیر رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی قرار دهند (ر.ک: Bahgat, 2006; Sheffer, 2004). طرفداران این رویکرد در غرب و برخی کشورهای منطقه در خلال و پس از انعقاد توافق وین همان‌هایی هستند که برجام را «اشتباهی تاریخی» توصیف کردند (ر.ک: نتانیا‌هو، ۱۳۹۴) و معتقدند ۵+۱ با این توافق مسیری که در آینده نه چندان دور می‌توانست به نابودی و فروپاشی جمهوری اسلامی ختم شود را تغییر داده و فراتر از این حتی با این توافق و برای تضمین بقای آن ناخواسته امنیت جمهوری اسلامی ایران را تضمین کرده است. گرچه این نوع نگاه اساساً نمی‌تواند مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام مشروع و دموکراتیک باشد، اما متأسفانه برخی طرفداران این رویکرد در داخل نیز برجام را هموارکننده مسیر فروپاشی جمهوری اسلامی یا مانعی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تلقی کرده (ر.ک: فرهنگ نیوز، ۱۳۹۴) و به همین دلایل به صورت آشکار و صریح به مخالفت با آن برخاسته‌اند.

در کنار رویکردهای مذکور، نگرش دیگری نیز هم در ایران و هم در طرف مقابل وجود داشته که در ایران بر ماهیت استراتژیک برنامه هسته‌ای در چانه‌زنی با غرب و آمریکا و در طرف مقابل بر جایگاه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید نموده و برنامه هسته‌ای ایران را از این منظر مورد توجه قرار داده است. طرفداران این رویکرد که تا قبل از روی کار آمدن دولت یازدهم بسیار منزوی و حاشیه‌ای بود، برخی بر این باور بوده‌اند که جمهوری اسلامی بازیگری بزرگ و غیرقابل چشم‌پوشی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است و در صورتی که غرب حاضر باشد با آن کار کند می‌تواند نقشی بی‌بدیل برای حل بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی ایفا کند و آنچه می‌تواند این نقش را به ایران بدهد، چیزی جز حل و فصل مسالمت‌آمیز برنامه هسته‌ای آن نیست (ر.ک: Ben-Meir, 2009; Barzegar, 2010). برخی دیگر نیز در عین پذیرش جایگاه و نقش ایران معتقد بوده‌اند جمهوری اسلامی

ایران اساساً نمی‌تواند با غرب و به ویژه آمریکا کنار بیاید و بنابراین موضوع هسته‌ای بهترین مستمسک برای اعمال فشار بر ایران است که می‌تواند مانع گسترش نفوذ آن در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی شود (ر.ک: سیک، ۱۳۹۵؛ Tarock, 2006). این دیدگاه نه تنها در بین کارشناسان و صاحب‌نظران، بلکه در بین سیاستمداران کشورهای دشمن و رقیب ایران از جمله اسرائیل و عربستان و لابی‌های طرفدار آن‌ها در داخل آمریکا نیز طرفداران بسیاری داشته است.

در نقطه مقابل، رویکرد استراتژیک در ایران نیز طرفدارانی با استدلال‌های مختلف داشته است. برخی بر این باور بوده‌اند که رویارویی ایران و آمریکا هویتی است و بنابراین از برنامه هسته‌ای باید به عنوان موضوع ملی و غرورآفرین و نماد اراده و قدرت ملی (ر.ک: غریب‌آبادی، ۱۳۸۷؛ دلاورپور اقدم، ۱۳۸۷؛ محمدی، ۱۳۹۴) برای درگیرکردن و تحلیل‌توان طرف مقابل و منحرف‌کردن توجهات از حوزه‌های دیگر استفاده کرد و برخی دیگر ضمن باور به برخی از این اصول معتقدند موضوع هسته‌ای بهترین موردی است که می‌تواند به موضوع چانه‌زنی بین ایران و قدرت‌های بزرگ و به ویژه آمریکا تبدیل شود (ر.ک: قهرمانپور، ۱۳۸۷؛ بروجردی، ۱۳۹۱) و هم‌زمان، آزمونی برای صداقت طرف مقابل هم هست.

آنچه طرفداران این رویکرد را در داخل کشور تقویت کرد و به صحنه بازیگری آورد، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بود. این انتخابات از یکسو طرفداران رویکرد استراتژیک با نگرش خوش‌بینانه را برای همکاری و تعامل با یکدیگر ترغیب کرد و از سوی دیگر دو رویکرد استراتژیک بدبین را نیز در مقابل آن‌ها قرار داد. در واقع، مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام را می‌توان نتیجه تعامل دو رویکرد استراتژیک خوش‌بین و همچنین مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌ها در خلال مذاکرات و پس از اجرای برجام را نتیجه هم‌افق‌شدن دو رویکرد استراتژیک بدبین و همچنین برخی طرفداران رویکردهای پیشین تلقی کرد.

البته دلایل و استناداتی که طرفداران هر یک از این رویکردها دارند در جای خود بسیار قابل تأمل است، اما به نظر می‌رسد ماهیت برنامه هسته‌ای ایران و برجام به گونه‌ای است که رویکرد استراتژیک بسیار واقع‌بینانه‌تر می‌تواند آثار و پیامدهای آن را آشکار کند. در واقع برجام به عنوان نتیجه مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی نه صرفاً موضوع فنی یا حقوقی و نه حتی موضوعی صرفاً سیاسی یا امنیتی، بلکه موضوعی استراتژیک یا به تعبیر دیگر

چنان کلان و جامع است که می‌تواند همه ابعاد موضوع را در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر، برجام دارای آثاری پیچیده و چندوجهی است که رابطه بین بازیگران متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی را دگرگون کرده و به همان میزان که فرصت‌ساز است، می‌تواند تهدیدآفرین نیز باشد. بنابراین، باید در عین توجه به همه ابعاد فنی، حقوقی، سیاسی و امنیتی، به ماهیت استراتژیک آن بیش از همه توجه کرد و منافع بازیگران متعدد درگیر در آن را در چارچوب یک معادله استراتژیک مورد توجه قرار داد. با این اوصاف، در ادامه ابتدا تأثیر مذاکرات منتهی به برجام را بر اساس این رویکرد بر جایگاه منطقه‌ای ایران و سپس این تأثیر را بر منزلت بین‌المللی آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران پس از برجام

با اتکا به استدلال‌های موافق و مخالف در بین طرفداران رویکرد استراتژیک به خوبی قابل درک است که حتی در سطح نظری نیز نه تنها برنامه و مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵، بلکه برجام به عنوان نتیجه و برآیند آن‌ها دارای آثار و پیامدهای قابل توجهی بر جایگاه منطقه‌ای ایران بوده است. در واقع، مذاکرات منتهی به برجام در دولت یازدهم در حوزه‌های زیر بر تقویت جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است:

۱-۱. افزایش مشارکت ایران در نظم ژئوپلیتیک منطقه

با وجود اینکه نگرانی و تردید اعراب نسبت به ایران همواره وجود داشته، اما تا قبل از آشکار شدن ابعاد برنامه هسته‌ای ایران، واکنش‌های تند و رادیکال نسبت به جمهوری اسلامی در بین کشورهای منطقه وجود نداشت (ر.ک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶؛ Russell, 2005). در واقع، ایران در آن زمان نیز در نظم ژئوپلیتیک منطقه نقش رسمی نداشت، اما کاملاً از معادلات منطقه کنار گذاشته نمی‌شد و مراودات تجاری، سیاسی و حتی امنیتی آن با بسیاری از کشورهای منطقه به صورت عادی برقرار بود. در حالی که با برجسته‌سازی ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ایران توسط آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی، به تدریج کشورهای منطقه در مسیر رویارویی و تقابل با ایران قرار گرفتند و عملاً همه معادلات منطقه بدون حضور و مشارکت ایران دنبال

شد. این رویه پس از سال‌ها با اجرای برجام شکسته شد و جمهوری اسلامی ایران برای اولین بار به صورت رسمی در مذاکرات ژنو در مورد سوریه شرکت کرد. در واقع، برجام باعث تقویت جایگاه ایران در نظم در حال تغییر منطقه‌ای شد و برای نخستین بار نه تنها در دوران مذاکرات هسته‌ای، بلکه حتی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی در مذاکراتی که مربوط به تعیین نظم جدید امنیتی در منطقه است، مشارکت یافت. البته چنین نقشی و جایگاهی فقط نتیجه برجام نیست و نقش عوامل دیگر از جمله توانمندی‌های نظامی-دفاعی و همکاری و ائتلاف با روسیه در تحولات سوریه را نیز باید در این زمینه ارزیابی کرد که آن‌ها نیز به هر حال متأثر از برجام بوده‌اند (ر.ک: کیسینجر و شولتز، ۱۳۹۵؛ برزگر، ۱۳۹۴).

۲-۱. تغییر منطق موازنه به نفع ایران

به واسطه سیاست‌های تحریک‌آمیز آمریکا و رژیم صهیونیستی بر علیه ایران و احساس نگرانی تاریخی اعراب نسبت به ایران، موضوع هسته‌ای به تدریج تبدیل به معنایی امنیتی در منطقه شد و روند پیشرفت فنی برنامه هسته‌ای و احساس ناامنی برخی کشورهای منطقه به موازات همدیگر پیش رفت. در نتیجه این شرایط، موازنه تهدید یا به عبارت دیگر تهدید در مقابل تهدید به منطق روابط میان ایران و برخی بازیگران منطقه تبدیل شد (Russell, 2005; Takeyh, 2006). با حاکم شدن چنین منطقی در مقابل تهدید ساختگی هسته‌ای شدن ایران، تهدیدهای متعدد نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی هویتی شکل گرفت که نتیجه آن ناامنی فزاینده نه تنها برای ایران، بلکه برای کل منطقه بود. در چنین شرایطی، مذاکرات منتهی به برجام موازنه تهدید پیشین را به موازنه قدرت یا حداقل قدرت-تهدید به نفع ایران تبدیل کرد. در واقع، اگر تا پیش از آن هر حرکت مثبتی، حتی پیشرفت فنی در برنامه هسته‌ای در عمل معنایی جز تهدید بیشتر برای بسیاری از کشورهای منطقه نداشت و تحت تأثیر فضای سیاسی و رسانه‌ای موجود عملاً به ضرر ایران و همگرایی منطقه‌ای تبدیل می‌شد، در گفتمان و فضای جدید، حتی پذیرش غنی‌سازی اورانیوم، داشتن راکتور آب سنگین و داشتن نیروگاه هسته‌ای دیگر نه تنها معنای سابق را ندارد، بلکه حتی از جانب افکار عمومی بسیاری از کشورهای منطقه حق قانونی و منطقی ایران و در راستای ایجاد ثبات بیشتر در منطقه تلقی می‌شود (ر.ک: Statista, 2016; ACRPS, 2015).

۳-۱. غیرامنیتی شدن فضا

پیروزی آقای روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ بلافاصله با واکنش‌های مثبت بین‌المللی، به ویژه از سوی ۵+۱ به عنوان کشورهای طرف مذاکره با ایران و همچنین بسیاری از کشورهای منطقه مواجه شد. در چنین فضایی، طبیعی بود که دولت جدید بهتر و راحت‌تر بتواند به حل و فصل موضوع هسته‌ای بپردازد، اما آقای روحانی پس از به دست گرفتن قدرت از یکسو با انتقال پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه به غیرامنیتی کردن موضوع نیز کمک کرد (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۲؛ امید، ۱۳۹۲) و از سوی دیگر تیم جدید مذاکره‌کننده نیز با بهره‌گیری از دیپلماسی گسترده در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی کوشید با تأکید بر بازی برد-برد از بار امنیتی موضوع بکاهد و آن را به موضوعی سیاسی و قابل مذاکره تبدیل کند. البته این نگرش در عرصه بین‌المللی تا حد زیادی موفق بود که اوج آن را می‌توان بسته‌شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی و خروج پرونده هسته‌ای ایران از ذیل فصل هفتم شورای امنیت سازمان ملل و لغو همه قطعنامه‌های آن دانست، اما در سطح منطقه‌ای تا جایی که مرتبط با موضوع هسته‌ای بود، با تصویب و اجرای برجام تا حد زیادی موفق شد، در حالی که به دلیل مسائل مختلفی که پس از آن بین ایران و عربستان پیش آمد، بار دیگر در مسیر پیشین قرار گرفت.

۴-۱. انزوای روزافزون اسرائیل

با وجود اینکه اسرائیل به عنوان دشمن اصلی ایران و دیگر کشورهای منطقه از معدود کشورهایی بود که تغییر دولت در ایران را به هیچ وجه در راستای سیاست‌های خصمانه خود نمی‌دانست و از همان ابتدا تلاش کرد هم‌پیمانان غربی و منطقه‌ای خود را مجاب کند که فریب سیاست‌های صلح‌طلبانه و لبخندهای ایران را نخورند (نتانیا، ۱۳۹۲؛ الحیات، ۱۳۹۲)، اما تا زمان اعلام توافق نه تنها نتوانست جلوی موفقیت در مذاکرات و دستیابی به آن را بگیرد، بلکه نتوانست همانند گذشته حساسیت‌های منطقه‌ای بر علیه ایران را نیز برانگیزد. نتیجه این وضعیت انزوای روزافزون اسرائیل در بین کشورهای منطقه و حتی در سطح بین‌المللی تا قبل از تصویب و اجرای برجام بود (ر.ک: خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۴۶-۱۴۵). البته پس از آن به دلیل

مسائل دیگری که از یک سو میان ایران و عربستان و از سوی دیگر به واسطه درک مشترک عربستان و اسرائیل از تهدید ایران ایجاد شد، فضای جدیدی برای اسرائیل جهت خروج از انزوای دوران مذاکرات و حتی قرارگرفتن در مسیر هم‌پیمانی با اعراب بر علیه ایران شکل گرفته که غلبه بر آن توجهی ویژه را می‌طلبد.

۵-۱. تقویت ثبات و نظم منطقه‌ای

روند روزافزون بی‌ثباتی و آناارشی در سطح منطقه تا قبل از مذاکرات منتهی به برجام ضرورت خوداتکایی امنیتی و تقویت بازدارندگی را از یک سو برای ایران و از سوی دیگر برای هر یک از کشورهای منطقه برجسته نمود و آنها را برای در دستور کار قرار دادن دو راه حل اساسی ترغیب نمود؛ نخستین و بدیهی‌ترین راه حل که همواره توسط اغلب کشورهای عرب منطقه دنبال شده، ورود به رقابت تسلیحاتی بسیار گسترده بود (ر.ک: Cordesman, 2007; 2008)، اما در این میان برخی کشورها مانند عربستان حتی به این حد هم بسنده نکردند و در حالی که جمهوری اسلامی ایران را متهم به تلاش احتمالی برای ساخت سلاح هسته‌ای در آینده می‌کردند، خود آشکارا از خرید تسلیحات هسته‌ای از پاکستان به بهانه ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران سخن به میان آوردند (BBC News, 2013). این وضعیت با تصویب و اجرای برجام منطقی‌تر می‌توانست بهبود یابد، اما تشدید درگیری‌های عربستان در سوریه و یمن و تلاش مشترک حکام سعودی و صهیونیستی برای احیای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی پیشین جهت جلوگیری از استفاده ایران از فرصت‌های پسابرجام بار دیگر باعث تشدید این وضعیت شده است. در واقع، اگر تأثیر متغیرهای دخیل دیگر در روابط ایران و عربستان مانند تحولات عراق، سوریه و یمن را از تحولات مربوط به موضوع هسته‌ای بتوانیم تفکیک کنیم، روند مذاکرات به خودی خود باعث تقویت ثبات و نظم در منطقه گردید، اما متأسفانه در عمل نه این مسائل کاملاً قابل تفکیک هستند و نه حتی تأثیر سیاست‌های خصمانه عربستان و اسرائیل به دلیل ترس از دستیابی ایران به قدرت و نفوذ بیشتر در نتیجه تثبیت دستاوردهای هسته‌ای خود را می‌توان از آثار و پیامدهای مذاکرات تفکیک کرد.

۱-۶. کاهش وزن استراتژیک گروه‌های تروریستی

با وجود خریدهای تسلیحاتی گسترده توسط کشورهای عرب منطقه، حتی این راه حل نیز به آرامش و غلبه بر ترس خودساخته آن‌ها منتهی نشد و به همین دلیل توسل به ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی در دستور کار برخی از آنها قرار گرفت. این نگرانی از قدرت و نفوذ ایران از یک سو و همچنین نگرانی برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان و اسرائیل از کاهش حمایت آمریکا از آن‌ها از سوی دیگر باعث شد بیش از پیش بر حمایت این کشورها از گروه‌های تروریستی از جمله داعش افزوده شود، در حالی که تصویب و اجرای برجام باعث شد از وزن استراتژیک گروه‌های تروریستی مانند داعش نیز کاسته شود. مقایسه میزان حمایت برخی کشورهای منطقه و حتی آمریکا و برخی کشورهای غربی تا زمان دستیابی به توافق و پس از آن به خوبی گویای این تغییر است. در حقیقت توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵ از یک سو عمق استراتژیک ایران را در منطقه افزایش و از سوی دیگر وزن استراتژیک این گروه‌ها، به ویژه داعش را نیز به شدت کاهش داد (ر.ک: یزدان‌پناه، ۱۳۹۴؛ ندای ایرانیان، ۱۳۹۴). پیشروی‌های ارتش سوریه و عراق در مقابل این گروه پس از توافق، در قیاس با گسترش روزافزون قلمرو آن‌ها قبل از این تاریخ اگر نه کاملاً، اما تا حد زیادی نتیجه تغییر جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قبال استفاده از ابزار ترور در دو مقطع پیش و پس از توافق هسته‌ای است.

۱-۷. تضعیف ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی

با وجود اینکه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی پروژه‌ای فراتر از موضوع هسته‌ای بوده و به کینه و عداوت تاریخی دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی برمی‌گردد، اما بدون تردید سیاست هسته‌ای دولت پیشین مستمسک بسیار خوبی برای پیشبرد این پروژه نه تنها در بین مردم منطقه، بلکه در سراسر جهان بود. آنچه توسل به چنین سیاستی را برای دشمنان جمهوری اسلامی ضروری می‌کرد نگرانی از گسترش موج بیداری اسلامی در کشورهای منطقه با الهام از انقلاب اسلامی بود. در چنین وضعیتی، ترس از برنامه هسته‌ای عملاً تبدیل به ترس از ایران شیعی در مقابل اعراب سنی شد و خود را در قالب ترویج تعابیری چون «هلال شیعی» (ر.ک: Alloul, 2011) نمایان ساخت. در واقع، تهدید ساختگی غرب و صهیونیست‌ها از برنامه هسته‌ای ایران تا قبل از

دولت یازدهم باعث گسترش ترس و ناامنی نه تنها میان برخی دولت‌ها، بلکه حتی در میان بسیاری از مردم منطقه شده بود، اما این وضعیت نیز در دوران مذاکرات منتهی به برجام و به ویژه پس از تصویب و اجرای آن به نحو قابل توجهی تغییر یافت. آن گونه که نظرسنجی‌های بین‌المللی حکایت می‌کنند، برجام باعث احساس امنیت و آرامش بیشتر از سوی برخی دولت‌ها و اغلب ملت‌های منطقه شده است (ر.ک: Statista, 2016; ACRPS, 2015).

۸-۱. تغییر شکاف‌ها بین بازیگران منطقه به نفع ایران

بازیگران منطقه به دلیل نگرانی‌های مختلف، رفتارهای مختلفی در مقابل برجام از خود بروز داده‌اند. برخی مانند عربستان و اسرائیل به دلیل نگرانی‌هایی که از شکل‌گیری نظم آینده منطقه به زیان خود دارند، تمام تلاششان را به کار بسته‌اند تا باعث شکست آن یا حداقل مانع از اجرای کامل برجام و بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از نتایج آن شوند (احمدی، ۱۳۹۴: ۳۲؛ خرم، ۱۳۹۴). مذاکرات و توافق هسته‌ای ایران با ۵+۱ قطعاً خشم اسرائیل از ایران را بیشتر کرده است؛ زیرا دولتمردان صهیونیستی برنامه هسته‌ای ایران را بهترین عامل گسترش ایران‌هراسی و تقویت اعمال فشار و تحریم بر جمهوری اسلامی و حتی مستمسکی برای توسل به اقدام نظامی بر علیه آن می‌دانستند (شبعه‌نیوز، ۱۳۹۴). گرچه برجام بدون لحاظ کردن مشکلات دیگر در روابط ایران و عربستان منطقی می‌توانست شکاف بین آن‌ها را کمتر کند، اما در عمل برخی تحولات داخلی در هر دو طرف و سایه برخی کارشکنی‌های نابخردانه در بهبود روابط دو کشور باعث زایل شدن چنین نتیجه‌ای شده و دولت عربستان را واداشته حتی به قیمت آسیب‌زدن به خود همچنان به موج شیعه‌هراسی و سیاست اعمال فشار برای جلوگیری از دستیابی ایران به فرصت‌های برجام ادامه دهد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۴). برجام همچنین ممکن است حس رقابت میان ایران و ترکیه را بیش از پیش برانگیخته باشد، اما قطعاً رابطه این دو کشور را بدتر از گذشته نکرده و اگر موضوع سوریه بر روابط دو کشور سایه نمی‌انداخت حتی روابط بهتری را نیز بین آن‌ها می‌توانست شکل دهد. با وجود اینکه این توافق به ویژه تحت تأثیر تبلیغات منفی و فشار عربستان بر نگرانی برخی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مانند بحرین و امارات متحده عربی افزوده، اما امکانی جدید برای گسترش روابط ایران با عمان، قطر و کویت نیز ایجاد کرده و در مقابل رابطه ایران با عراق، سوریه و حتی لبنان را مستحکم‌تر نموده است.

۹-۱. تقویت محور مقاومت

با وجود اینکه در نتیجه تحولات پس از برج‌ام بر روند قطبی‌شدن و پیچیدگی بیش از پیش معادلات استراتژیک منطقه افزوده شده، اما نه تنها دورنمای کلی آن حتی به حد قبل از توافق مبهم و تیره نیست، بلکه برای جمهوری اسلامی ایران بسیار روشن‌تر از گذشته است؛ زیرا در آن شرایط باید شاهد ضعف روزافزون و تدریجی موقعیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقطه کانونی محور مقاومت و هم‌پیمانانش و در مقابل تقویت روزافزون رقبا و دشمنان آن‌ها در منطقه بودیم، در حالی که اکنون جایگاه و مسیر پیش روی ایران بهتر و هموارتر از گذشته است (ر.ک: میرحسینی، ۱۳۹۴). در واقع، مذاکرات منتهی به برج‌ام نه تنها منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران را تأمین کرده، بلکه باعث ابراز خرسندی هم‌پیمانان منطقه‌ای ایران در لبنان، سوریه، عراق، یمن و طرفداران جمهوری اسلامی در دیگر کشورهای منطقه نیز شده است. به همین دلیل است که با اعلام توافق هسته‌ای سیاستمداران بسیاری از این کشورها ضمن استقبال از آن بر این واقعیت غیرقابل انکار تأکید کردند که برج‌ام باعث تقویت توان محور مقاومت در منطقه خواهد شد (Muallem, 2014). این موضوعی است که نه تنها از زبان آن‌ها، بلکه حتی از زبان مخالفین جمهوری اسلامی و توافق هسته‌ای نیز به عنوان استدلالی در مخالفت با برج‌ام بیان شده است (ر.ک: Einhorn, 2015; Maloney, 2015).

۱۰-۱. ائتلاف عربستان و اسرائیل

با وجود آثار و پیامدهای مثبت برج‌ام برای جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن، از آنجا که حکام سعودی برج‌ام را باعث نزدیکی ایران و غرب از جمله آمریکا و در مقابل، کاهش حمایت آن‌ها از عربستان در مقابل ایران تلقی می‌کنند، بر شدت نگرانی آن‌ها افزوده شده است. این تحولات همچنین اسرائیل را نیز در انزوای کامل قرار داد و همین ترس از تهدید مشترک زمینه را برای نزدیکی میان این دو بازیگر ناراضی و نگران از نتایج توافق فراهم کرده است. در واقع، با تحولاتی که در روابط ایران و عربستان پس از برج‌ام رخ داد، یک ائتلاف نانوشته میان سعودی‌ها و صهیونیست‌ها بر علیه ایران شکل گرفته که روز به روز گسترده‌تر و آشکارتر شده است (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲). به عبارت دیگر، این کشورها از یک سو به دلیل نگرانی از کاهش حمایت

آمریکا از آن‌ها در مقابل ایران و از سوی دیگر به دلیل گسترش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران و محور مقاومت در مسیر ائتلاف تاکتیکی قرار گرفته‌اند؛ تاکتیکی به این دلیل که عربستان به خوبی می‌داند که این ائتلاف باعث خشم ملت‌های عرب خواهد شد و نمی‌تواند در بلندمدت آن را ادامه دهد. بنابراین، خواه این ائتلاف با مصلحت‌بینی برای مدتی تداوم یابد و خواه فرو ریزد، در نهایت باز هم به نفع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

۲. افزایش منزلت بین‌المللی ایران پس از برجام

با وجود اهمیت تأثیر مذاکرات منتهی به برجام بر جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، تأثیر توافق هسته‌ای بر منزلت بین‌المللی ایران حتی از آن هم جدی‌تر و مهم‌تر بوده است. در واقع، سطح بین‌المللی گسترده‌ترین و در عین حال اثرگذارترین سطح از معادلات در ارتباط با مذاکرات منتهی به برجام بوده است؛ زیرا از یک سو مهم‌ترین مسائل و مشکلات ایران با قدرت‌های بزرگ، یعنی تداوم برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و رفع تحریم‌های بین‌المللی در این سطح مورد مذاکره و توافق قرار گرفتند و از سوی دیگر به واسطه برجام، منزلت و موقعیت بین‌المللی ایران از بازیگر منطقه‌ای به بازیگر مؤثر بین‌المللی ارتقا یافت. مهم‌ترین پیامدهای بین‌المللی مذاکرات منتهی به برجام که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم باعث ارتقای منزلت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شده است را می‌توان در موارد زیر مورد توجه قرار داد:

۲-۱. تقویت چندجانبه‌گرایی

تلاش برای جلوگیری از تبدیل موضوع هسته‌ای به ابزاری برای اعمال فشار بر کشور که با دعوت از سه کشور اروپایی و سپس با گسترش مذاکرات به ۵+۱ و حتی در مواردی به برزیل و ترکیه صورت گرفت، در عمل باعث شد دولت آمریکا در عین عدم مشارکت مستقیم در مذاکرات، روند تحولات را نیز در مسیر مورد نظر خود هدایت کند، بنابراین نه تنها به تقویت چندجانبه‌گرایی نینجامید، بلکه در عمل باعث تقویت یکجانبه‌گرایی آمریکا و حتی تبعیت بی‌چون و چرای دیگر قدرت‌ها از این کشور در برخورد با ایران شد (ر.ک: Milani, 2010; Khan, 2010). این در حالی است که با آغاز مذاکرات منتهی به برجام، روند

معکوسی شکل گرفت که بر اساس آن خود دولت آمریکا باید نظر قدرت‌های بزرگ را برای توافق با ایران تأمین می‌کرد. به عبارت دیگر، چون این مذاکرات با حضور مستقیم نماینده آمریکا در کنار سایر قدرت‌های بزرگ بین‌المللی برگزار می‌شد، به نوعی می‌توان گفت آمریکایی‌ها نه تنها یکجانبه‌گرایی پیشین را کنار گذاشتند و با قرارگرفتن در کنار سایر قدرت‌ها خواسته یا ناخواسته، حداقل در این موضوع، گام در مسیر چندجانبه‌گرایی که مطلوب جمهوری اسلامی ایران بود نهادند (Iranian Diplomacy, 2016)، بلکه حتی این بار خود مدافع پیشبرد مذاکرات و عاملی برای جلب نظر دیگر قدرت‌ها شدند. بدین ترتیب، می‌توان گفت برخلاف گذشته که ایران یا باید در مسیر امتیازدهی روزافزون یا در معرض فشار گسترده بین‌المللی قرار می‌گرفت و در نهایت هم آمریکا به عنوان مهم‌ترین بازیگر پشت پرده نقش برهم‌زننده بازی را ایفا می‌کرد، در شرایط جدید این آمریکا بود که با امتیازدادن به سایر قدرت‌ها باید نظر آن‌ها را برای پیشبرد مذاکرات که دیگر به حیثیت خودش گره خورده بود، جلب می‌کرد.

۲-۲. تقویت نظام عدم اشاعه هسته‌ای

حل و فصل مسالمت‌آمیز موضوع هسته‌ای ایران بسیار برای آمریکا ارزشمند است و حتی اگر به واسطه این مذاکرات به رقبای بزرگ خود نیز اجازه عرض اندام داده و حضور آن‌ها را رسماً پذیرفته، هرگز به معنای آن نیست که بازنده این بازی باشد. مهم‌ترین امتیازی که با برجام برای آمریکایی‌ها در صحنه بین‌المللی ایجاد شده، تقویت نظام عدم اشاعه هسته‌ای است. حتی با وجود پذیرش نقش دیگر قدرت‌ها نیز هنوز آمریکا مهم‌ترین قدرت هژمون در دنیاست و حفظ و تأمین امنیت جهان در راستای منافع این کشور ارتباط تنگاتنگی با حفظ و گسترش نظام عدم اشاعه هسته‌ای دارد. در واقع، از نظر ساختاری حل و فصل موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران باعث ثبات و امنیت بیشتر نه تنها در دنیا، بلکه به صورت خاص در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه شد که هم به نفع آمریکا و قدرت‌های بزرگ و هم به نفع کشورهای منطقه از جمله ایران خواهد بود (ر.ک: یزدان‌پناه، ۱۳۹۴؛ شاپوری، ۱۳۹۴ الف؛ برزگر، ۱۳۹۴؛ Khoshandam, 2016).

البته، جمهوری اسلامی ایران بارها به صراحت توسط مسئولین عالی‌رتبه خود اعلام کرده بود که به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و ساخت و کاربرد آن را حرام می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)، اما تأکید بر پیشرفت فنی هسته‌ای در مسیر صلح‌آمیز باعث ترغیب برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان، ترکیه، مصر و حتی امارات متحده عربی به داشتن تأسیسات هسته‌ای یا حتی در مواردی چون عربستان به اعلام آشکار اراده برای خرید سلاح‌های اتمی از پاکستان شد (BBC News, 2013) و از نظر ساختاری تضعیف نظام عدم اشاعه هسته‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی را به دنبال داشت. به هر حال، این روند روزافزون احساس نیاز و تقاضا برای فناوری و سلاح هسته‌ای نیز با مذاکرات منتهی به برجام دگرگون شد، زیرا این تجربه اولاً به بسیاری از کشورها نشان داد که چنین خواستی هزینه‌های بسیار گزافی دارد و با واکنش قدرت‌های بزرگ عملاً به نتیجه نمی‌رسد و ثانیاً، کاهش توان غنی‌سازی ایران خود به خود از احساس نگرانی و ترس بسیاری از کشورهای منطقه که باور کرده بودند ایران به دنبال قدرت نظامی هسته‌ای است و آن‌ها باید به فکر بازدارندگی هسته‌ای در مقابل آن باشند، کاسته است.

۳-۲. جایگزینی دیپلماسی به جای تهدید نظامی، ترور و خرابکاری

راهی که دولت آقای احمدی‌نژاد در مقابل اعمال فشار و تحریم‌های بین‌المللی برگزید، مقاومت در مقابل امتیازخواهی بیشتر در عین بی‌توجهی به روند روزافزون تنبیه و مجازات بود که خود را در قالب فشارها و تحریم‌های فلج‌کننده بین‌المللی به صورت یکجانبه یا در هماهنگی با قدرت‌های دیگر در ذیل قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بروز داد. البته، آمریکا و اسرائیل حتی به این حد هم بسنده نکردند و از تهدید نظامی و همچنین توسل به ترور دانشمندان هسته‌ای و خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای نیز به عنوان تمام گزینه‌های روی میز علیه ایران استفاده کردند. هرچند حتی توسل به تمام این گزینه‌ها نیز نتیجه‌ای عاید آن‌ها نکرد، اما بدون شک تبعات ناگواری برای جامعه ایران داشت و هزینه‌های بسیاری را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرد. در حالی که با آغاز مذاکرات منتهی به برجام از یک سو از اهمیت و اعتبار تهدید نظامی، ترور و خرابکاری تا حد زیادی کاسته و در عمل استفاده از این گزینه‌ها کنار گذاشته شد و از سوی دیگر، دیپلماسی به عنوان کم‌هزینه‌ترین گزینه جایگزین آن‌ها

گردید. در واقع، روند تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای از زمان دولت یازدهم حول محور گزینه دیپلماسی شکل گرفت و با اهمیت یافتن این گزینه و اثبات کارآمدی آن، دیگر گزینه‌ها در عمل به حاشیه رانده شدند (ر.ک: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۴: ۴۶۸-۴۶۴)؛ هرچند در حرف هنوز هم گاه از آن گزینه‌ها یاد می‌شود و به ویژه مخالفین توافق چه در ایران و چه در دیگر کشورهای طرف توافق، باز هم سعی در برجسته‌کردن گزینه‌های پیشین دارند.

۴-۲. اثبات حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای ایران

هرچند ایران هیچ‌گاه حتی تا قبل از مذاکرات منتهی به برجام نیز به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نرفت و همواره بر استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید داشت، اما تصویرسازی از ایران و برنامه هسته‌ای آن تا قبل از دولت یازدهم در عرصه بین‌المللی به گونه‌ای بود که بسیاری از مردم جهان ادامه آن را مایه نگرانی و ناامنی می‌دانستند و حتی بیشتر مردم آمریکا مخالف آن بودند و از اقدام نظامی علیه آن حمایت می‌کردند (ر.ک: Reuters, 2012; Gallup, 2013). در واقع، با پیشرفت فنی برنامه هسته‌ای ایران در دولت قبل و قطعنامه‌هایی که در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران صادر شد، نه تنها حقانیت و مشروعیت این برنامه زیر سؤال رفت، بلکه دفاع از آن در مقابل افکار عمومی جهان نیز روز به روز دشوارتر شد. نظرسنجی‌های بین‌المللی در آن مقطع به خوبی حاکی از این بود که افکار عمومی بین‌المللی نیز با پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران مخالف است؛ اما از وقتی مذاکرات هسته‌ای در دولت یازدهم آغاز شد، به میزان پیشرفت در مذاکرات، حق ایران در برخورداری از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و همچنین باور به عدم انحراف به سمت برنامه هسته‌ای نظامی نیز بیشتر مورد پذیرش جهانی قرار گرفت (ر.ک: Statista, 2016; ACRPS, 2015). بدین ترتیب، ایران از تهدیدی خیالی به مدلی پیشرو و بازیگری مسئول در قبال صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد. همچنین لغو شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و ۱۲ قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بسته‌شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران در مهم‌ترین نهاد بین‌المللی ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای در جهان که با قطعنامه رسمی این نهاد در تاریخ ۲۴ آذر (۱۵ دسامبر) تأیید شد، کمک بزرگی به این تغییر جهت‌گیری کرد و مهر تأییدی بر حقانیت و

مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و پایانی بر تصویرسازی‌های نادرست و غیرمنصفانه از آن بود.

۵-۲. کاهش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی و افزایش توان ایران

برخلاف آنچه اغلب از جانب برخی طرفداران سیاست هسته‌ای دولت قبل گفته می‌شود که پیشرفت در برنامه هسته‌ای باعث گسترش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران شد (ر.ک: سلامتی، ۱۳۹۳؛ انتخاب، ۱۳۹۳)، در واقع این برنامه باعث شد جمهوری اسلامی ایران نتواند از فرصت‌هایی که در نتیجه تغییرات در عراق و سپس در دیگر کشورها به دنبال تحولات منطقه ایجاد شد، بهره بگیرد. نتیجه ناخواسته گسترش این برنامه، گسترش موج ایران‌هراسی نه تنها در سطح منطقه، بلکه حتی در سطح بین‌المللی بود و در نهایت جامعه بین‌المللی به رهبری آمریکا را ترغیب و تشویق کرد تا انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار خود قرار دهد. در این راستا، با اعمال فشارها و تحریم‌های بین‌المللی، دستیابی ایران به درآمدهای نفتی و ذخایر بین‌المللی خود محدود شد و با افزایش هزینه‌های مبادله و عدم امکان دسترسی به منابع و مسیرهای مبادله بانکی و بیمه‌ای، روز به روز فشارها بر اقتصاد و جامعه ایران بیشتر شد. در نتیجه این وضعیت، ارزش پول ملی در قیاس با ارزهای بین‌المللی به شدت کاهش یافت و اگر نبود برخی از ذخایر ناشی از افزایش فروش نفت در سال‌های قبل، فروپاشی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چندان دور از تصور نبود (ر.ک: خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲). در چنین شرایطی، مذاکرات منتهی به برجام از یک سو با تعلیق تحریم بیشتر در دوران مذاکرات بر اساس توافق ژنو، عملاً جلوی سیاست تنبیه و مجازات به سبک قبل را گرفت و از سوی دیگر، به دلیل کاهش و رفع بسیاری از تحریم‌های بین‌المللی، کاهش هزینه‌های مبادله نسبت به قبل و افزایش میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را به دنبال داشت (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵ الف؛ ۱۳۹۵ ب) و در عمل توان جمهوری اسلامی ایران هم برای مقابله با مشکلات داخلی و هم برای نقش‌آفرینی بیشتر در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش یافت.

۲-۶. افزایش نقش و توان بین‌المللی ایران

در حالی که روند فرسایشی پیش از مذاکرات منتهی به برج‌ام توان جمهوری اسلامی ایران برای نقش‌آفرینی‌های فراملی را به شدت محدود کرده بود، قرارگرفتن ایران در مذاکرات در کنار ۵+۱ از همان زمان به صورت ضمنی به معنای پذیرش نقش برتر ایران به عنوان بازیگر مؤثر بین‌المللی بود. با وجود این، در آن مقطع نگاه به ایران به عنوان بازیگر غیرمسئول که باید مهار شود بود، در حالی که در دوران جدید ایران توانست به جهانیان بقولاند که بازیگری مسئول و توانمند حتی بدون داشتن بمب اتمی و بدون نیاز به داشتن آن است و به همین دلیل بلافاصله پس از اجرای برج‌ام، تهران به محل رفت‌وآمد هیئت‌های تجاری و دیپلماتیک تبدیل شد (ر.ک: آفتاب‌نیوز، ۱۳۹۵؛ ایران آن‌لاین، ۱۳۹۵)؛ نکته‌ای که حتی بسیاری از سیاستمداران کشورهای منطقه و همچنین مخالفین توافق در آمریکا نیز آشکارا به آن اذعان کرده و حتی معترض بوده‌اند (ر.ک: سجادی‌پور، ۱۳۹۴؛ میرحسینی، ۱۳۹۴؛ Barzegar, 2016).

۲-۷. تقویت محور مبارزه با تروریسم بین‌المللی

استدلال آمریکا و قدرت‌های غربی برای جلوگیری از دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای ریشه در نگرانی بسیاری از کارشناسان غربی و آمریکایی از اشاعه هسته‌ای داشته است (ر.ک: Sagan, et.al, 2007; Stanley, 2007). به همین دلیل، کشورهای منطقه با حمایت و هدایت آمریکا و رژیم صهیونیستی به همان میزان که کوشیدند اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد، گام در مسیر ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی برای ممانعت از دستیابی به سلاح هسته‌ای یا مهار ایران در صورت دستیابی نیز نهادند. در حالی که مذاکرات منتهی به برج‌ام، همچنان که باعث فروپاشی اجماع بین‌المللی علیه ایران شد، باعث تبدیل روند رو به گسترش حمایت از تروریسم به تلاش هرچند ظاهری برای ائتلاف علیه آن نیز گردید که کاملاً منطبق با پیشنهاد آقای روحانی به سازمان ملل در چارچوب «جهان علیه خشونت و افراطی‌گری» است. البته بدیهی است که نقش آمریکا در ایجاد و تقویت گروه‌های تروریستی به ویژه در منطقه خاورمیانه را نمی‌توان و نباید نادیده گرفت، اما به هر حال همین که این کشور خود با تشکیل ائتلاف بین‌المللی، حتی به صورت ظاهری

پیش‌تاز مقابله با تروریسم و داعش شده را نیز نباید کم‌اهمیت دانست. آنچه در این میان مهم است، ارتباط این تحول با مذاکرات هسته‌ای است. همچنان که قبلاً هم گفته شد، توسل به تروریسم در مقابل ایران اساساً به دلیل نگرانی از به نتیجه نرسیدن مذاکرات هسته‌ای در دولت قبل و در واقع، تلاشی برای مهار برنامه هسته‌ای ایران یا حداقل متوقف کردن آن بود و بنابراین، با آشکار شدن نشانه‌های به نتیجه رسیدن مذاکرات، روز به روز از اهمیت این ابزار برای مقابله با ایران کاسته شد و در مقابل، اهمیت ائتلاف علیه تروریسم بیشتر گردید (برزگر، ۱۳۹۴). البته، در این میان نباید به احساس نگرانی اسرائیل و عربستان و حتی دیگر کشورهای منطقه از قدرت گرفتن ایران پس از توافق و نقش‌آفرینی آن‌ها به جای آمریکا به عنوان حامی مستقیم گروه‌های تروریستی نیز بی‌توجه بود.

۲-۸. تضعیف پروژه ایران‌هراسی بین‌المللی

یکی از دلایل موفقیت آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای و بین‌المللی آن در پروژه ایران‌هراسی بین‌المللی، تقارن آن با برنامه هسته‌ای ایران بود. در واقع، این برنامه بستر را برای پیشبرد پروژه مذکور در سطح بین‌المللی به گونه‌ای فراهم کرد که تا قبل از دولت یازدهم، جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظرسنجی‌های بین‌المللی، به عنوان یکی از منابع عمده تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی معرفی می‌شد که باید با اقدام نظامی متوقف شود (ر.ک: Reuters, 2012; Gallup, 2013)؛ اما مذاکرات منتهی به برجام این پروژه را در عرصه بین‌المللی نیز تضعیف کرد؛ زیرا با ادامه این سیاست، بدیهی بود شکست توافق هسته‌ای که دولت آمریکا حیثیت دیپلماتیک خود را به پای آن گذاشته، دشوار باشد. جالب آنکه دولت آمریکا که قبلاً عامل ترویج ایران‌هراسی در بین کشورهای منطقه و در سطح دنیا بود، خود با برگزاری جلسات مختلف و تماس‌های مکرر با سران کشورهای منطقه سعی کرد آن‌ها را مجاب کند که توافق هسته‌ای با ایران نه تنها به ضرر آن‌ها نیست، بلکه تضمین‌کننده امنیت آن‌هاست. این تغییر در معادلات قدرت تا آنجا پیش رفت که حتی دوقطبی‌های مرسوم علیه ایران در آمریکا نیز به حاشیه رفت و بسیاری از سیاستمداران و کارشناسان آمریکا و متحدان آن دریافتند که در صورت ادامه فشار بر ایران همراهی قدرت‌های بزرگ را از دست خواهند داد (سجادپور، ۱۳۹۴: ۸۰؛ میرنظامی، ۱۳۹۴: ۸۴). البته، این پروژه متأسفانه پس از توافق از یک سو

توسط اسرائیل، عربستان و سایر کشورهای نگران از افزایش قدرت و نفوذ ایران پس از برجام و از سوی دیگر توسط مخالفین توافق در آمریکا و حتی برخی کشورهای منطقه و همچنین برخی از مخالفین توافق در ایران به گونه‌ای دیگر در حال بازسازی است که در صورت موفقیت، حتی به مراتب خطرناک‌تر از دوران قبل از مذاکرات خواهد بود و مهار آن تدبیر و درایت خاصی را می‌طلبد.

۹-۲. تغییر وضعیت شکاف‌ها بین بازیگران بین‌المللی به نفع ایران

به واسطه تغییرات در سطح بین‌المللی در نتیجه مذاکرات منتهی به برجام، از یک سو شاهد تقویت شکاف بین آمریکا و اسرائیل و همچنین بین آمریکا و کشورهای عرب خلیج فارس، به ویژه عربستان و از سوی دیگر شاهد کاهش شکاف بین ایران و آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ در مسائل منطقه‌ای، از جمله در موضوع مقابله با تروریسم بوده‌ایم. به عبارت دیگر، مذاکرات و توافق هسته‌ای خود باعث تغییر در روابط ایران با آمریکا و غرب شده و این تغییر اثرات خود را بر روابط آن‌ها با کشورهای منطقه نیز آشکار کرده است (ر.ک: برزگر، ۱۳۹۴؛ یزدان‌پناه، ۱۳۹۴). البته، تغییر وضعیت این شکاف‌ها فقط یک روی سکه است و روی دیگر آن تقویت همکاری ایران با اروپا، روسیه و چین است که نمودهای آن را در تراکم رفت و آمدهای دیپلماتیک بین مقامات عالی این کشورها به ایران و افزایش مراودات تجاری می‌توان دید (ر.ک: آفتاب نیوز، ۱۳۹۵؛ ایران آنلاین، ۱۳۹۵؛ شاپوری، ۱۳۹۴؛ ب: ۲۲-۱۹). در واقع، مذاکرات و توافق هسته‌ای تصویری متفاوت از ایران به جهانیان نشان داد و همچنان که بسیاری از مخالفین آن در آمریکا و حتی برخی کشورهای منطقه استدلال می‌کنند باعث رهاسازی پتانسیل‌های محدودشده ایران و تقویت موضع آن به ویژه از نظر دیپلماتیک و اقتصادی در صحنه بین‌المللی شد (ر.ک: برزگر، ۱۳۹۴) و ائتلاف علیه ایران را به ائتلاف علیه مخالفین توافق و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای آن تبدیل کرد (ر.ک: سجادپور، ۱۳۹۴؛ یزدان‌پناه، ۱۳۹۴).

۱۰-۲. دستیابی ایران به ذخایر بین‌المللی و ارتباط مستقیم با اقتصاد جهانی

تا قبل از آغاز به کار دولت یازدهم و شروع فصل جدید مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱+۵ به تدریج حلقه محاصره اقتصادی و تجاری علیه جمهوری اسلامی ایران تنگ‌تر شد. مسدودشدن

منابع ارزی کشور در بانک‌های خارجی و عدم امکان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران باعث شد ارتباط مستقیم جمهوری اسلامی ایران با اقتصاد جهانی قطع شود. در این وضعیت اگر کالایی هم از ایران صادر می‌شد، به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی امکان دستیابی به پول آن وجود نداشت و به همین دلیل بسیاری از مبادلات بین‌المللی به صورت پایاپای صورت می‌گرفت، یعنی به جای مواد خام و محصولات که از ایران صادر می‌شد، محصولات بی‌کیفیت و در مقیاس گسترده وارد کشور می‌شد که اقتصاد ملی را با بحران مواجه و بیشترین ضرر را به تولید داخلی و اشتغال ملی وارد کرد. البته، با آثار ناگواری که این وضعیت برای ایران داشت، مدت‌ها زمان لازم است تا بار دیگر اقتصاد ملی بتواند احیا شود و مقاوم و پویا گردد، اما حداقل نتیجه‌ای که برجام داشته این است که به روند فلاکت‌بار پیشین پایان داده و روند جدیدی را پیش روی کشور قرار داده است. در واقع، با وجود اینکه هنوز موانع و مشکلات بسیاری بر سر راه لغو تحریم‌ها و به ویژه شکسته شدن فضای روانی تحریم وجود دارد که هم در داخل و هم در عرصه دیپلماتیک باید برای رفع آن‌ها تلاش کرد و به عنوان مطالبه ملی پیگیری نمود، اما حتی اگر بر اساس آنچه به صورت واقعی و عملی تحقق یافته نیز قضاوت کنیم، فضای پس از برجام به استناد آمار و ارقام منتشر شده باعث افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، کاهش هزینه‌های مبادله با جهان، افزایش دستیابی ایران به منابع و ذخایر بین‌المللی خود، پیوند بیشتر با اقتصاد جهانی و در مجموع، تقویت توان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران شده است (ر.ک: وزارت امور خارجه، ۱۳۹۵ الف؛ ۱۳۹۵ ب؛ شاپوری، ۱۳۹۴ ب: ۲۲-۱۹).

نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی و نقد رویکردهای فنی، حقوقی، سیاسی و امنیتی در تحلیل آثار و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام، رویکرد استراتژیک به عنوان رویکردی کلان و جامع‌نگر که به همه ابعاد و سطوح موضوع توجه دارد و وجوه فرصت و تهدید آن را به صورت توأمان در ارتباط با همه بازیگران مورد توجه قرار می‌دهد، به عنوان مبنای بررسی و تحلیل مورد توجه قرار گرفت.

بررسی روند تحولات منطقه بر مبنای این رویکرد به خوبی نشان می‌دهد که با وجود فضای مناسب برای افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در نتیجه تحولات در افغانستان و عراق و تحولات ناشی از بهار عربی یا بیداری اسلامی، برنامه و مذاکرات هسته‌ای تا قبل از دولت یازدهم در عمل به انزوای تدریجی ایران و کنارگذاشتن آن از مناسبات منطقه‌ای، امنیتی شدن فضا، افزایش بی‌ثباتی از طریق گسترش رقابت تسلیحاتی و تقویت گروه‌های تروریستی و جهت‌دهی آن‌ها بر علیه ایران، تقویت ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی به ویژه توسط عربستان و اسرائیل، تلاش منطقه‌ای و بین‌المللی برای تضعیف توان لجستیکی و دفاعی محور مقاومت از طریق افزایش فشار و تحریم بر جمهوری اسلامی انجامید و شکاف‌ها بین بازیگران منطقه‌ای را به زیان ایران و در راستای منزوی کردن آن شکل داد. در حالی که مذاکرات منتهی به برجام بسیاری از این روندها و جهت‌گیری‌ها را به نفع جمهوری اسلامی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن تغییر داد، بسیاری از موانع قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران را از میان برداشت و جایگاهی برتر و هژمونیک به جمهوری اسلامی ایران بخشید.

مذاکرات منتهی به برجام در سطح بین‌المللی نیز زمینه را برای چندجانبه‌گرایی به عنوان نظم مطلوب بین‌المللی ایران فراهم نمود؛ نظام عدم اشاعه هسته‌ای بین‌المللی را تقویت کرد؛ دیپلماسی را جایگزین اقدام نظامی، ترور و خرابکاری نمود؛ حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران را به اثبات رساند؛ از فشار تحریم‌های ظالمانه بر اقتصاد و جامعه ایران کاست و در مقابل بر توان جمهوری اسلامی برای ایفای بهتر نقش‌های بین‌المللی خود افزود. مذاکرات منتهی به برجام همچنین محور بین‌المللی مبارزه با تروریسم را تقویت کرد؛ پروژه ایران‌هراسی مبتنی بر فعالیت‌های هسته‌ای را متوقف یا حداقل تضعیف نمود؛ شکاف‌های بین‌المللی را به نفع جمهوری اسلامی و به زیان مخالفین و دشمنان آن تغییر داد و در نهایت، زمینه را برای دستیابی ایران به ذخایر مسدودشده و منابع مالی و اقتصادی بین‌المللی خود فراهم کرد. با این تغییرات در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، بدیهی است که می‌توان گفت مذاکرات منتهی به برجام، جایگاه منطقه‌ای و منزلت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرد و آن را به عنوان قدرت هژمون منطقه‌ای و بازیگر مؤثر بین‌المللی جلوه‌گر ساخت.

منابع

- احمدی، وحیده (۱۳۹۴) «توافق هسته‌ای و همگرایی عربستان و اسرائیل»، **ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی**، سال چهارم، شماره ۴۰، صص ۳۸-۳۱.
- اسدالهی، غلامرضا (۱۳۹۱) «پرونده هسته‌ای ایران در مسیر فنی و حقوقی بررسی شود». قابل دسترس در:
<http://www.icana.ir/Fa/News/199349>.
- الحیات (۱۳۹۲) «تل‌آویو نگران از توافق احتمالی واشنگتن با روحانی»، ترجمه علی موسوی خلخالی. قابل دسترس در:
<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1920161.html>.
- انتخاب (۱۳۹۳) «سخنرانان اجتماع امروز دلواپسان هسته‌ای یا حامیان احمدی‌نژاد چه کسانی هستند؟». قابل دسترس در:
<http://www.entekhab.ir/fa/news/159519/>.
- ایران هسته‌ای (۱۳۹۴) «آقای دکتر، محل مصرف غنی‌سازی ۲۰ درصد اینجاست». قابل دسترس در:
<http://irannuc.ir/content/2171/>.
- ایران آنلاین (۱۳۹۵) «روایت «ایران» از ترافیک هیئت‌های اقتصادی خارجی در دوره جدید». قابل دسترس در:
<http://www.ion.ir/News/118702.html/>.
- آفتاب نیوز (۱۳۹۵) «توافق هسته‌ای و گسترش روابط دیپلماتیک و تجاری ایران با جهان». در:
<http://aftabnews.ir/fa/news/363737/>.
- باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۴) «تحلیل تخصصی بسیج دانشجویی دانشگاه شریف از برجام». قابل دسترس در:
<http://www.yjc.ir/fa/news/5294986/>.
- باقری، علی (۱۳۹۲) «نقطه اختلاف دقیقاً کجاست؟/ چارچوب و توازن دو کلیدواژه اصلی در منطق مذاکراتی ایران». قابل دسترس در:
<http://www.yjc.ir/fa/news/4327982/>.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۴) «توافق هسته‌ای و مسئله «ثبات استراتژیک» در سیاست منطقه‌ای ایران». قابل دسترس در:
<http://www.khabaronline.ir/detail/405911/>.
- بروجردی، علاءالدین (۱۳۹۱) «دستاوردهای هسته‌ای ایران». قابل دسترس در:
<http://www.borojerdi.ir/main/index.php?Page=definition&UID=283669>.
- بیگدلی، علی (۱۳۹۵) «آمریکا در اجرای برجام بدعهدی کرده است». قابل دسترس در:
<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/31/1052593/>.

پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۹۴) «روند مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام (سال ۹۴)»، سالنامه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۴ و چشم‌انداز ۱۳۹۵، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۴۷۰-۴۵۳.

جلیلی، سعید (۱۳۹۱) «متن کامل سخنان دکتر جلیلی پس از مذاکرات آلمانی». قابل دسترس در:
<http://www.irannuc.ir/fa/content/1294>.

جلیلی، سعید (۱۳۹۴ الف) «نقد فنی برجام توسط دکتر سعید جلیلی». قابل دسترس در:
<http://www.598.ir/fa/news/337905/>.

جلیلی، سعید (۱۳۹۴ ب) «هیچ‌گاه حقوق کمتر یا تکلیف بیشتر را نپذیرفتم». قابل دسترس در:
<http://www.teribon.ir/archives/305632/>.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹) «حرمت سلاح کشتار جمعی». قابل دسترس در:
<http://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=228>.

خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۲) «نقد عملکرد ۸ ساله دولت احمدی‌نژاد و چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۹۲». قابل دسترس در:

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/01/27/41842/>.

خرم، علی (۱۳۹۴) «منافع اجرای برجام برای ایران و جهان». قابل دسترس در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1955640/>.

خلیلی، رضا (۱۳۹۲) «امنیتی‌زدایی؛ چارچوب سیاست هسته‌ای دولت یازدهم»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال سوم، شماره ۲۸-۲۷، صص ۱۲-۵.

خلیلی، رضا (۱۳۹۳) «انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و چشم‌انداز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۶۳، صص ۱۵۴-۱۲۱.

دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۷) ایران هسته‌ای: نماد اراده ملی در برابر نظام هژمونیک غرب، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و مهدی عطائی (۱۳۹۳) «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره ۶۳، صص ۱۲۰-۸۷.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶) «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهاردهم، شماره ۲ و ۳، صص ۸۶-۵۵.

رضایی، محسن (۱۳۹۴) «آمریکا به دنبال نفوذ در سیستم‌های امنیتی ایران است». قابل دسترس در:
<http://www.mizanonline.ir/fa/news/108631/>.

زاکانی، علیرضا (۱۳۹۵) «هیچ‌کدام از تعهدات آمریکا در برجام عملی نشد». قابل دسترس در:
<http://basijnews.ir/fa/news/8663621/>.

سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۹۴) «ارزش‌های راهبردی دستیابی به توافق هسته‌ای»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۴۰، صص ۸۲-۷۷.

سلامتی، اعظم (۱۳۹۳) سیاست هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد و مواضع شخصیت‌ها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

سیک، گری (۱۳۹۵) «گری سیک: برجام برای مهار کافی نبود؛ نگرانی از تسلط منطقه‌ای ایران است». قابل دسترس در:

<http://paydarymelli.ir/fa/news/22769>.

شاپوری، مهدی (۱۳۹۴ الف) «نگاه غربی به توافق هسته‌ای»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۴۰، صص ۸۷-۸۳.

شاپوری، مهدی (۱۳۹۴ ب) «سیاست خارجی ایران بعد از توافق جامع»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۴۱، صص ۲۴-۱۷.

شیعه نیوز (۱۳۹۴) «چرا اسرائیل از توافق هسته‌ای با ایران عصبانی است؟». قابل دسترس در:

<http://www.shia-news.com/fa/news/86867/>.

عباسی، حسن (۱۳۹۴) «ارزیابی استراتژیک برجام و قطعنامه ۲۲۳۱». قابل دسترس در:

<http://www.rajanews.com/news/218272>.

غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۷) نهضت ملی هسته‌ای، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه. فرهنگ نیوز (۱۳۹۴)، «اسرار ایران در معرض خطر است! / آیا ایران به سرنوشت عراق دچار می‌شود؟». قابل دسترس در:

<http://www.farhangnews.ir/content/126270>.

قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۷) رویکرد قدرت‌های بزرگ به برنامه هسته‌ای ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک. کیسینجر، هنری و جورج پی. شولتز (۱۳۹۵)، «پیامد توافق هسته‌ای با ایران»، ترجمه نوژن اعتضادالسلطنه. قابل دسترس در:

<http://sharghdaily.ir/News/59720/>.

کیهان (۱۳۹۳) «غنی‌سازی ۲۰ درصد میراث شهید شهریار». قابل دسترس در:

<http://kayhan.ir/fa/news/10245>.

کیهان (۱۳۹۴) «جلیلی: در برجام از ۱۰۰ حق مسلم خود محروم شده‌ایم». قابل دسترس در:

<http://kayhan.ir/fa/news/54787/>.

مجدد، هومان و سارا معصومی (۱۳۹۲) «پرونده هسته‌ای ایران در چند روز قابل حل است». قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919900.html>.

محمدی، مهدی (۱۳۹۴) «دست برتر ایران در منطقه به اهرم چانه‌زنی در مذاکرات تبدیل شود». قابل دسترس در:

<http://www.nasimonline.ir/Content/Detail/982574/136>.

مدنیان، غلامرضا (۱۳۹۰) «حقوق هسته‌ای ایران و چالش‌های آن». قابل دسترس در:

<http://www.ensani.ir/fa/content/142866/default.aspx>.

میرحسینی، سیدمحسن (۱۳۹۴) «توافق هسته‌ای ژئوپلیتیک منطقه را تغییر داد». قابل دسترس در:

<http://www.tabnakvazd.ir/fa/news/81922/>.

میرنظامی، منیرسادات (۱۳۹۴) «توافق وین و تأثیرات آن بر خاورمیانه از دید مراکز راهبردی»، ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی، سال چهارم، شماره ۴۱، صص ۸۷-۸۱.

نتانياهو، بنيامين (۱۳۹۲) «به روحانی اعتماد نکنید آقایان!» ترجمه مهناز امین فروغی. قابل دسترس در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1919983.html>.

ندای ایرانیان (۱۳۹۴) «تأثیر توافق هسته‌ای بر عمق استراتژیک ایران در خاورمیانه». قابل دسترس در:
<http://irnedat.ir/fa/news/29158/>.

وزارت امور خارجه (۱۳۹۵ الف) «متن کامل گزارش وزارت امور خارجه به مجلس درباره اجرای برجام». قابل دسترس در:

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/01/29/1051333/>.

وزارت امور خارجه (۱۳۹۵ ب) «ارائه دومین گزارش ۳ ماهه اجرای برجام». قابل دسترس در:
<http://www.eghtesadonline.com/136080/>.

هادیان، ناصر (۱۳۸۹) «برنامه هسته‌ای ایران: تکرر دیدگاه‌ها و زمینه‌های گفت‌وگویی»، فصلنامه سیاست، سال ۴۰، شماره ۱، صص ۳۷۴-۳۵۵.

یزدان‌پناه، محمد (۱۳۹۴) «پیامدهای منطقه‌ای برجام برای جمهوری اسلامی ایران». قابل دسترس در:
<http://www.tabnak.ir/fa/news/524900/>.

ACRPS [Arab Center for Research and Policy Studies] (2015) The 2015 Arab Opinion Index: Results in Brief. Available at: <http://english.dohainstitute.org/content/cb12264b-1eca-402b-926a-5d068ac60011>.

Alloul, Jaafar (2011) The 'Shi'a Crescent' Theory; Sectarian Identity or Geopolitics of Religion? Available at:

https://www.lib.ugent.be/fulltxt/.../RUG01-001786448_2012_0001_AC.pdf.

Bâli, Asli Ü. (2014) Negotiating Nonproliferation: International Law and Delegation in the Iranian Nuclear Crisis. Available at: www.uclalawreview.org/pdf/61-2-1.pdf.

Barzegar, Keyhan (2010) "Balance of Power in the Persian Gulf: An Iranian View", *Middle East Policy*, Middle East Policy Council, Vol. XVII, No. 3, Fall, pp. 74-87.

Barzegar, Keyhan (2016) The Geopolitics of JCPOA. Available at:

<http://www.iranreview.org/content/Documents/The-Geopolitics-of-JCPOA.htm>.

BBC News (2013) Saudi Nuclear Weapons 'on Order' from Pakistan. Available at: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-24823846>.

Ben-Meir, Alon (2009) "Nuclear Iran is Not an Option: a New Negotiating Strategy to Prevent Iran from Developing Nuclear Weapons", *Digest of Middle East Studies*, pp. 79-89.

Brzezinski, Zbigniew and Robert M. Gates (2004) *Iran: Time for a New Approach*, New York: Council on Foreign Relations.

Cordesman, Anthony H. (2008) *Iranian Capabilities to Respond to a Preventive Attack*, Center for Strategic and International Studies, Westport: Praeger Security International.

Cordesman, Anthony H. and Martin Kleiber (2007) *Iran's Military Forces and War Fighting Capabilities: the Threat in the Northern Gulf*, Center for Strategic and International Studies, Westport: Praeger Security International.

Einhorn, Robert (2015) Debating the Iran Nuclear Deal. Available at:

<http://www.brookings.edu/research/reports2/2015/08/iran-nuclear-deal-battleground-issues-einhorn>.

Gallup (2013) Americans Least Favorable Toward Iran. Available at:

<http://www.gallup.com/poll/161159/americans-least-favorable-toward-iran.aspx>.

Iranian Diplomacy (2016) Benefits of JCPOA Implementation for Iran and the World. Available at:

- <http://www.irdiplomacy.ir/en/page/1955713/Benefits+of+JCPOA+Implementation+for+Iran+and+the+World.html>.
- Khalili, Reza (2011) *Comparative Analysis of Nuclear Policies; the Cases of India and Iran (1983-2008)*, Ph. D Thesis in Center for Comparative Politics and Political Theory, School of International Studies, Jawaharlal Nehru University.
- Khan, Saira (2010) *Iran and Nuclear Weapons: Protracted Conflict and Proliferation*, New York: Routledge.
- Khoshandam, Behzad (2016) Implementation of the Iran Deal and Its International Consequences. Available at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/Implementation-of-the-Iran-Deal-and-Its-International-Consequences.htm>.
- Maloney, Carolyn B. (2015) Congresswoman Carolyn Maloney's Statement Opposing Iran Nuclear Agreement. Available at: <https://maloney.house.gov/media-center/press-releases/congress-woman-carolyn-maloney-s-statement-opposing-iran-nuclear>.
- Milani, Abbas (2010) *The Myth of the Great Satan: A New Look at America's Relation with Iran*, California: Hoover Institute Press.
- Moshirzadeh, Homeira (2007) "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, 38(4): 521-543.
- Muallem, Walid (2014) Iran Deal May Strengthen Damascus, Says Syria's Foreign Minister. Available at: <http://www.middleeasteye.net/news/iran-deal-may-strengthen-damascus-says-syrias-foreign-minister-275851002>.
- Persbo, Andreas (2012) Some Legal Aspects of Iran's Nuclear Programme, The Oxford and Cambridge Club, London, United Kingdom. Available at: <http://www.vertic.org>.
- Powers, Thomas (2008), Iran: The Threat, New York Review of Books, Vol. 55, No. 12. Available at: <http://www.nybooks.com/articles/21592>.
- Rahmati, Reza (2013) "Proof to Illegality of Referring Iran's Nuclear Dossier from IAEA to Security Council", Iran Review. Available at: <http://www.iranreview.org/content/Documents/Proof-to-Illegality-of-Referring-Iran-s-NuclearDossier-from-IAEA-to-Security-Council.htm>.
- Reuters (2012), "Most Americans Would Back US Strike over Iran Nuclear Weapon", Iran Review. Available at: <http://in.reuters.com/article/usa-iran-poll-idINDEE82C0EU20120314>.
- Russell, Richard L. (2005) "Arab Security Responses to a Nuclear-Ready Iran", in: Sokolski, Henry and Patrick Clawson (Eds), *Getting Ready for a Nuclear-ready Iran*, Carlisle: Strategic Studies Institute, U.S. Army War College, pp. 23-46.
- Sagan, Scott, et.al (2007) "A Nuclear Iran: Promoting Stability or Courting Disaster?" *Journal of International Affairs*, 60(2): 135-150.
- Sheffer, Brenda (2004) "Iran at the Nuclear Threshold", *Insight Turkey*, 6(1): 78-89.
- Stanley, Elizabeth A. (2007) *International Perceptions of US Nuclear Policy*, New Mexico: U.S. Department of Commerce National Technical Information Service.
- Statista (2016) Level of support among Arab youth for the 2015 Iran nuclear deal in 2016. Available at: <http://www.statista.com/statistics/536405/opinion-poll-of-arab-youth-on-support-for-2015-iran-nuclear-deal/>.
- Takeyh, Ray (2006) "Iran at the Strategic Crossroads", in: Russell, James A (ed), *Proliferation of Weapons of Mass Destruction in the Middle East: Directions and Policy Options*, New York: Palgrave Macmillan, pp. 51-62.
- Tarock, Adam (2006) "Iran's Nuclear Programme and the West", *Third World Quarterly*, 27(4): 645-664.